

پیش‌گفتار

درس‌های عاشورایی در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام

با نگاهی به سخنان امام خمینی علیه‌السلام از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون، به خوبی درمی‌یابیم که ایشان کلیه رفتارها و موضع‌گیری‌های خود را براساس واقعه عاشورا تنظیم و عملی نموده است؛ زیرا فرهنگ عاشورا، فرهنگی همه‌جانبه است که ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، عرفانی، نظامی و... را دربرمی‌گیرد.

با اینکه بیش از هزار و سیصد سال از واقعه جانسوز عاشورا می‌گذرد؛ اما هنوز عاشورا چشمه جوشان حماسه و آزادگی و رمز جهاد پایدار برای ماندگاری آیین الهی است؛ آیینی پیام‌آور توحید و عدل و در خور شأن والای انسان، تا به برکت شعور خدادادی و شور حقیقت‌خواهی، شایسته جانشینی پروردگار در زمین گردیده، جان او تجلی‌گاه توحید و عدل شود.

عبدالله العلامی از علمای اهل سنت در وصف عاشورا می‌نویسد:

«شیعیان، مراسم یادبود عاشورا را برای پندگرفتن و یادآوری برپا می‌دارند و آن مراسمی بس بزرگ است؛ زیرا این مراسم یادآور پندها و درس قهرمانی جهاد و فداکاری در راه دین بوده و با یاد آن قهرمانان، روح بلند پرورش می‌یابد. امروز برگزاری

این مراسم از لازم‌ترین وظایف در این مرحله از انقلاب ماست.^۱

اندیشه زندگی امام خمینی علیه السلام نیز این‌گونه بوده و دارای ابعاد مختلف یاد شده می‌باشد.

در یک جمله می‌توان گفت که امام خمینی علیه السلام تمام هویت انقلاب اسلامی را به عاشورا گره زده و می‌فرماید:

«انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است».

۱- نفی اندیشه جدایی دین از سیاست

یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های سیاسی عاشورا، مسئلهٔ پیوند و ارتباط دین و سیاست است.

امام حسین علیه السلام با حضور اجتماعی و قیام علیه حکومت، در حقیقت درصدد دخالت در سیاست بود و همین مسئله را به عنوان یک تکلیف جهت حرکت و نهضت خویش قرار داد. امام برای خود یک ضرورت می‌دانست که برای سست‌نمودن پایه‌های حکومت ستمگران و برقراری حکومت عدل الهی تلاش کند و همین امر از مهم‌ترین مشخصه‌های اقدام یک حکومت سیاسی است.

امام خمینی علیه السلام با الهام از این حرکت امام حسین علیه السلام نسبت به مسائل جامعه حساس بود و در برابر ستم‌ها و ظلم‌های رژیم پهلوی قیام نمود و مردم و جهان اسلام را به حمایت از دین خدا دعوت کرد.

۱. سمو المعنى فى سمو الذات أو اشعة من حياة الحسين: عبدالله العلالى، ص ۱۲۱.

ایشان همواره معتقد بود که جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون مبتلا به اندیشه منحرف سکولاریزم (جدایی دین از سیاست) بوده که در دوره اخیر به اوج خود رسیده است:

«این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس طرح‌ریزی شده است و بعد از آن هم هر حکومتی که آمده است، تایید این امر را کرده است و اخیراً هم که راه شرق و غرب به دولت‌های اسلامی باز شده، این امر در اوج خودش قرار گرفت که اسلام یک مسئله شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمان در سیاست دخالت کند و نباید روحانیون وارد سیاست بشوند.»^۱

امام در حقیقت با الهام‌گیری از حرکت سیاسی-دینی عاشورا درصدد پاسخ‌گویی به سؤال‌های ذیل بود که امروز حکومت اسلامی الگویی جهت ملت‌های مستضعف برگزیده است:

- آیا دین‌داری، خداپرستی به مرزهای سیاست محدود می‌شود؟
- آیا پیامبران و اوصیای الهی از دخالت در امور سیاسی دوری می‌نمودند؟
آیا انجام رسالت بزرگ آنان مبنی بر اقامه قسط عدالت اجتماعی بدون دخالت در امور سیاسی ممکن است؟

امام خمینی علیه السلام ریشه این تز انحرافی را یک توطئه تاریخی دانسته که درصدد تغییر روند تاریخ دینی بوده است. ایشان می‌فرماید:

«طرح مسئله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه‌ای نیست. این مسئله در زمان بنی‌امیه طرح شد و در زمان بنی‌عباس

قوت گرفت. در این زمان‌های اخیر هم که دست‌های بیگانه در ممالک باز شد، آنها هم به این مسئله دامن زدند، به‌طوری که مع‌الاسف بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورشان آمده است...»^۱

امام خمینی علیه السلام در یک برآورد صحیح، هدف‌های این سیاست شیطنی را بیان کرده و همه را به توجه و تأمل در آن دعوت نموده است.

این اهداف و آثار عبارتند از:

- الف: استثمار، استثمار و استضعاف ملت‌ها؛^۲
- ب: محدودشدن فقاقت به احکام فردی و عبادی در منطق ناآگاهان؛^۳
- پ: غفلت از آیات سیاسی - اجتماعی قرآن و بسیاری از ابواب فقهی؛^۴
- ت: مطرح‌شدن ارزش منفی برای روحانیون سیاسی؛^۵
- ث: تاخت و تاز آمریکا و ابرقدها در کشورهای مسلمان.^۶

۲- عدالت اجتماعی

آنچه پس از زمان پیامبر اسلام تا زمان شهادت امام حسین علیه السلام مطرح بوده، این است که چه آفت‌هایی سبب شد تا حکومت سلطنتی اموی بر مسلمانان

۱. همان: ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۲. همان: ج ۱۸، ص ۸۸.

۳. همان: ج ۲۱، ص ۹۱.

۴. همان.

۵. همان: ج ۱۵، ص ۱۹.

۶. همان: ج ۱۷، ص ۵۳.

حاکم شود؟ چگونه ارزش‌ها و مقدساتی که در جامعه ریشه دوانده بودند، به تدریج رنگ باختند و به شعارهای ظاهری و بی‌محتوا تبدیل شدند؟ پاسخ اجمالی همه این سؤال‌ها عدم وجود عدالت اجتماعی است. ایجاد نظام طبقاتی، تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی سبب شد تا نظام عقیدتی، اخلاقی و سیاسی جامعه نیز متحول شود و پذیرش معیارها و اصول اقتصادی مکتب اسلام برای مردم میسر نگردد.

امام حسین علیه السلام یکی از اهداف قیام خود را عدالت اجتماعی دانسته و در خطبه‌ای این‌گونه بیان می‌دارد:

ويا من المظلومون من عبادک...

(یکی از اهداف این است که) ستمدیدگان از بندگان تو امنیت یابند.^۱

آشکار است که این عدالت و امنیت، زمانی تحقق عینی پیدا خواهد کرد که ستم و ستمگران نابود شده و عدالت اجتماعی حاکم گردد.

امام خمینی علیه السلام هم به تبع جدش امام حسین علیه السلام در مقابل ستمگران زمان خود قد علم کرده و ضمن مبارزه‌ای جانانه می‌فرماید:

«زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب الامر و زندگی همه انبیای الهی این معنا بوده است که می‌خواستند در مقابل جور، حکومت عدل را درست و برپاکنند».

«سیدالشهدا وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی در بین مردم دارد

۱. در این زمینه رک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱، ص ۲۶۹؛ شرح الأئمة: سید محمد امین، ج ۱، ص ۲۱۵؛ تاریخ کامل: ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۴.

حرکت می‌کند، تصریح می‌کند که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، به مردم ظلم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند... و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: هر که ساکت بنشیند و تغییر ندهد این را، جایش همان یزید [حاکم ستمگر] است...^۱

۳- اصلاح اجتماعی امت اسلامی

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه‌ای، انگیزه قیام خود را این‌گونه اعلام می‌نماید:

«اللهم إنيك تعلم أنه لم يكن ماكان منّا تنافساً في سلطان ولا التماساً من فضول الحطام، ولكن لثرى المعالم من دينك و تظهر الإصلاح في بلادك»^۲

خدای من تو می‌دانی آنچه از ما صادر شد به انگیزه رقابت در سلطنت و تمنای زیادی‌های دنیا نبود؛ بلکه برای این بود که نشانه‌های آشکار دین تو را بنگریم و اصلاح را در سرزمین‌های تو آشکار سازیم...»

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ این عبارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به عنوان مؤیدی برای اثبات بحث ولایت فقیه خود آورده و با استناد به آن می‌فرماید:
«مضمون روایت شاهد بر این است که از لسان معصوم صادر

۱. فرهنگ عاشورا در کلام و پیام امام خمینی: ص ۴۲-۲۳.

۲. تحف العقول: ص ۲۴۳.

شده و مضمون صادقی است.^۱

براین اساس بسیاری از سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام در جهت اصلاح جامعه و آن را نه تنها وظیفه خود؛ بلکه وظیفه هر فرد دیگری می‌دانست. ایشان می‌فرماید:

«کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان‌طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظب است که دیگران را هم اصلاح کند...»^۲

«سیدالشهدا علیه السلام روی همین میزان، خود و اصحاب و انصار خویش را فدا کرد که فرد باید فدای جامعه بشود تا جامعه اصلاح گردد «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» باید عدالت در بین مردم و جامعه تحقق پیدا کند.

برای سیدالشهدا علیه السلام تکلیف بود قیام کند، خویش را بدهد تا این که این ملت را اصلاح کند و همین‌طور هم کرد».^۳

«امام حسین علیه السلام در وصیت معروف خود به برادرش محمد حنفیه، آن‌گاه که مدینه را قصد مکه ترک گفت، بر آرمان اصلاح طلبی قیام خود تصریح کرد و فرمود: إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي؛ بدین جهت از مدینه خارج شدم که امت جدّم را اصلاح کنم».^۴

۱. ولایت فقیه: سید روح الله خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۳۷.

۲. پا به پای آفتاب: امیر رضا ستوده، ج ۱، ص ۱۱۸.

۳. فرهنگ عاشورا در پیام و کلام امام خمینی: ص ۴۱ و ۳۷.

۴. بحارالانوار: علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۳۱؛ مقتل المقرّم: ص ۱۵۶.

۴- مبارزه با منکرات

یکی دیگر از نکات برجسته عاشورا مسئله مبارزه با منکرات بود که حکومت اموی عامل اصلی پیدایش و گسترش آن در جامعه اسلامی بودند.

امام(ع) در وصیت‌نامه خود این رسالت را تذکر داده و می‌فرماید:

أريد أن أمر بالمعروف و أنهي عن المنكر و أسير بسيرة جدّي و

أبي عليّ بن أبي طالب؛

می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره جدم و

پدرم علی بن ابی‌طالب عمل کنم.^۱

می‌دانیم که هرگاه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ای رواج یابد، سبب خواهد شد که برای انسان مسئولیت اجتماعی آفریده شود تا نسبت به آنچه در امور مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌گذرد، بی‌تفاوت و بی‌تحرک نباشد.

هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر مبتنی بر فهم صحیح از دین باشد و از سیره نبوی و علوی؛ یعنی معیارهای خالص اسلام سرچشمه بگیرد، جامعه را از حالت سکون و ایستایی خارج نموده و منجر به بالندگی و سازندگی آن می‌گردد.

امام خمینی علیه السلام همانند موضع‌گیری‌های سیدالشهدا علیه السلام با تکیه بر آن رفتارها می‌فرمودند:

«اینکه حضرت اباعبدالله نهضت و قیام کرد با عدد کم در مقابل

این [حکومت یزید] برای این بود که گفتند: تکلیف من است که

استنکار کنم و نهی از منکر کنم».

۱. اللهوف: سیدین طاووس، ص ۱۰.

«انگیزه این بوده که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد. انحرافات، همه از منکرات است. غیر خطاً مستقیم توحید هر چه هست، منکرات است. این باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش و انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود، من جمله قضیه حکومت جور».

«سیدالشهدا همه عمرش و همه زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت‌ها در دنیا ایجاد کردند، صرف نمود و تمام زندگیش را صرف این کرد که حکومت جور بسته بشود و از بین برود، معروف در کار باشد و منکرات از بین برود»^۱

۵- فرهنگ آزادی و آزادی و کرامت انسان ها

همه اصحاب فداکار سیدالشهدا در واقعه کربلا از انسان‌های آزاده‌ای بودند که ذلت، خواری و تمنیات دنیوی و مادی لحظه‌ای در جوهره و ماهیت آنها جای نداشت.

این گروه، در برابر سپاه سی هزار نفری یزید کمترین ترسی به خود راه ندادند، تا آخرین لحظه مقابل دشمنان ایستادند و جنگیدند و به فیض شهادت نایل آمدند.

عقیله بنی هاشم، پرچمدار پیام کربلا در مقابل حکومت جور و ظلم یزید با

۱. فرهنگ عاشورا در کلام و پیام امام خمینی: ص ۳۳، ۳۸ و ۳۹.

وجود تحمّل مصائب بسیار، ضمن مقاومت و ایستادگی، به افشاگری حکومت وقت پرداخت و فرمود:

«... ای یزید! به خدا سوگند [با این جنایت‌ها که انجام دادی] نشکافتی؛ مگر پوست بدن خود را و پاره‌پاره نکردی؛ مگر گوشت خود را... گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند؛ بلکه آنها زنده‌اند و در پیشگاه پروردگاشان روزی می‌خورند.

این را هم بدان، آن کسانی هم که کار را برای تو فراهم ساخته و تو را بر گروه مسلمانان سوار نمودند، به کیفر خود خواهند رسید و بدانند که ستمگران را بد کیفری در پیش است...
قدر و مقام تو را بسیار پست می‌دانم... بدان که رأی و تدبیرت سست و روزگارت اندک و انگشت شمار و جمعیت تو رو به پراکندگی است، در روزی که منادی خدا فریاد زند: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»؛ همانا لعنت خدا بر ستمکاران باد».

امام خمینی علیه السلام هم از نسل همین انسان‌های آزاده و دلاور بود. او هرگز لحظه‌ای زیر بار ظلم و ستم ظالمین نرفت و با تحمل زندان، تبعید، خطرات جانی، شهادت فرزند و... دشمن را به زانو در آورده و می‌فرماید:
«من اکنون قلب خود را برای سر نیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام؛ ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جبارهای شما حاضر نخواهم بود».^۱

۱. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها: امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۲۸.

«ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز گشت، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ بطلان بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، ماهی که باید آزادی‌خواهان، استقلال‌طلبان و حق‌گویان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و جنود ابلیس غلبه کنند و کلمه حق باطل را محو نماید»^۱.

نتیجه

امام خمینی علیه السلام با تأسی به قیام خونبار عاشورا، توانست نهضت عظیم خود را به ثمر برساند و مجدداً به احیای ارزش‌های فراموش شده توفیق یابد. نمونه‌هایی از ارزش‌های مشترک که این دو نهضت مقدس (عاشورا و انقلاب اسلامی) به آنها صراحت بخشید، عبارتند از:

۱. زنده نگه‌داشتن روحیه آزادگی و ذلت ناپذیری؛
۲. شجاعت، شهامت و پرهیز از مصلحت‌اندیشی و راحت‌طلبی؛
۳. زنده نگه‌داشتن روحیه شهادت‌طلبی؛
۴. زنده نگه‌داشتن و تحقق فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛
۵. ایمان به جهاد فی سبیل الله؛
۶. مقاومت و پایداری و پشتکار در راه مبارزه؛
۷. زنده نگه‌داشتن جنبه‌های اخلاقی، مروت، ایثار و ...

۱. قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی: ص ۲۳.